



دانشگاه لرستان

Issn online: 2980-8944  
New researches in Islamic humanities studies  
<http://www.api.lu.ac.ir>



## Inquiry on the role of knowledge and beliefs in shaping sexual behaviors

Mohamad Sharif Taherpor 1\* Afsaneh Abdoli 2

\*1 Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Hamadan, Iran, email: [m.s.taherpour@gmail.com](mailto:m.s.taherpour@gmail.com)

2 Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorram Abad, Lorestan, Iran, Email: [Abdoli.a@lu.ac.ir](mailto:Abdoli.a@lu.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**

Research Article

**Article History:**

Received

September 11, 2023

Accepted

November 22, 2023

**Keywords:**

Sexual Approach,  
Sexual  
Knowledge,  
Sexual Ethics,  
...Sexual Behavior

### ABSTRACT

Although sexual desire is a biological and instinctive need, human beings are specific and creative in satisfying sexual desire. In fact, they modify, correct, and change sexual desires in a variety of ways, depending on their received knowledge and attitudes. In this regard, while introducing three approaches to sexual behaviors (negative approach, increasing sexual freedom and Self-ritual approach and moderation and responsible relationships approach) which are influenced by different knowledge and attitudes in different societies and each in one way, modify or change sexual desires. We are looking for the answer to the question of how different knowledge affect people's minds about sexual desires and determine their sex life? This research was performed using descriptive-analytical method. The results showed that cognition is not something that goes on in the individual's mind, but, as contemporary research in the fields of neuroscience, archeology and philosophy of science shows, cognition is implicit, inclusive, integrated, expanded, and distributed. Therefore, in order to stabilize sexual morality, society and educational centers need to establish a social context for negotiation in this regard, exposing people to reasoned knowledge with respect to human dignity and a correct and responsible perspective, as a strong foundation of sexual morality. To create an ideal and acceptable moral sexual condition. Creating knowledge about sexual moral values will affect people's ability to make moral decisions and guide sexual activities properly, and will affect people's moral thinking and attitudes.



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۸۹۴۴-۲۹۸۰

پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی

<http://www.api.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

## جستاری بر نقش معارف و باورها در شکل دهی به رفتارهای جنسی

محمد شریف طاهرپور<sup>۱\*</sup>، افسانه عبدلی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، همدان، ایران، ایمیل:

[m.s.taherpour@gmail.com](mailto:m.s.taherpour@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، لرستان، ایران، ایمیل:

[Abdoli.a@lu.ac.ir](mailto:Abdoli.a@lu.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۲/۰۶/۲۰

پذیرش نهایی:

۱۴۰۲/۰۹/۰۱

### واژگان کلیدی:

رویکرد جنسی، معرفت جنسی، اخلاق جنسی،

رفتار جنسی

### چکیده

با وجود اینکه تمایل جنسی یک نیاز بیولوژیکی و غریزی است، اما انسان ها در برآورده کردن میل جنسی، خاص و خلاق هستند. در واقع، آن ها بسته به معارف دریافتی و نگرش هایشان، به روش های گوناگون، تمایلات جنسی را تعدیل، اصلاح و تغییر می دهند. در این رابطه، ضمن معرفی سه رویکرد رفتار جنسی (رویکرد نفی، رویکرد آزادی و خودآیینی فزاینده جنسی و رویکرد اعتدال و روابط مسئولانه) که متأثر از معارف و نگرش های مختلف در جوامع گوناگون است و هر کدام به یک روش، باعث تعدیل یا تغییر تمایل جنسی شدند، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چگونه معارف مختلف ذهن افراد را در زمینه تمایلات جنسی متأثر می سازند و زندگی جنسی او را رقم می زند؟ بنابراین، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی این پژوهش انجام گرفت. نتایج نشان داد که شناخت چیزی نیست که در ذهن فرد پیش برود، بلکه همان طور که تحقیقات معاصر در زمینه علوم اعصاب، باستان شناسی و فلسفه علم نشان می دهد شناخت آغشته، متضمن، ادغام شده، گسترش یافته و توزیع می شود. لذا نیاز است برای تثبیت اخلاق جنسی، جامعه و مراکز آموزشی با ایجاد بستر اجتماعی مذاکره در این رابطه، افراد را در معرض ارائه معارف مستدل با نظر به کرامت انسان و یک چشم انداز درست و مسئولیت پذیرانه قرار دهند، به گونه ای که یک مبنای محکم از اخلاق جنسی که شرایط جنسی ایدئال و قابل قبول اخلاقی را به رسمیت می شناسد، ایجاد شود. ایجاد معرفت نسبت به ارزش های اخلاقی جنسی، در توانایی افراد برای تصمیم گیری های اخلاقی و هدایت درست فعالیت های جنسی مؤثر خواهد بود و تفکر اخلاقی و نگرش های افراد را متأثر خواهد ساخت.

## ۱- مقدمه

تمایل جنسی یک نیاز بیولوژیکی است که در میان تمام گونه‌ها از قبیل گیاهان، حیوانات و انسان مشترک است و خواستار ارضاء میل جنسی است. با این حال، انسان‌ها در خصوص تمایلات جنسی خود بسیار ویژه هستند. از یک طرف، تمایلات جنسی انسان فصلی نیست و از سوی دیگر، روش‌ها و وسایلی که برای برآورده کردن میل جنسی، مورد استفاده قرار می‌گیرند، عجیب، خاص و خلاق هستند (سمنتا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). در واقع، آن‌ها بسته به معارف و نگرش‌هایشان می‌توانند به روش‌های گوناگون، تمایلات جنسی را تعدیل، اصلاح و تغییر دهند. در این زمینه، اگرچه عدم ارضای تمایلات جنسی، بقای یک فرد را در خطر نمی‌اندازد، اما به دلیل غریزی بودن، بعد از بلوغ، به طور جدی بخشی از فکر و کنش انسان را به خود اختصاص می‌دهد و مشغول می‌کند. بر این اساس، به عنوان یک حق پایه‌ای و بنیادی انسان و بخش اساسی از یک زندگی سالم و کامل در نظر گرفته می‌شود که ارضا و شکل دهی به یک نگرش درست درباره‌ی آن، به سلامت جنسی<sup>۲</sup> می‌انجامد (آریکان<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۲۸؛ دساموند و هوبنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲: نقل مک‌گرت و ساکلاریوس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶).

در این رابطه نتایج تحقیق هارتمنس، کومیچس و جونکر<sup>۶</sup>، (۲۰۱۵: ۲) حاکی از این است که تمایل جنسی متأثر از تعامل عوامل بیولوژیکی، روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، قانونی، تاریخی، مذهبی و معنوی است. در واقع، بسته به اینکه این عوامل، چه نگرشی را در ذهن انسان شکل داده باشند، تمایلات جنسی او و به تبعیت سلامت جنسی، متأثر می‌شود. به عبارت دیگر، گرچه سکسچوالیته بیولوژیکی مبتنی بر ویژگی‌های جنسی اصلی است که از بدو تولد وجود دارد، اما هویت و نگرش جنسی از طریق جامعه‌پذیری ساخته می‌شود و معمولاً در اواخر بلوغ، به اوج خود می‌رسد. به این ترتیب، تمایلات جنسی از طریق نفوذ ترکیبی از بلوغ سکسچوالیته بیولوژیکی و انتلاف روانشناسی فردی و محیط فرهنگی ایجاد می‌شود. این امر در درجه اول زمانی کامل می‌شود که هویت و نقش توسط جنس، اتفاق می‌افتد و سپس از طریق رفتار نقش جنسی و همچنین ایجاد اخلاق جنسی، نشان داده می‌شود (پارک، یون و هوانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶: ۱۴۴).

بنابراین، اگرچه تمایل جنسی با بلوغ و به صورت فردی اتفاق می‌افتد، اما بیان فردی آن و شیوه بیان آن، از طریق جهان اجتماعی که ذهن فرد را شکل داده، پا به میان می‌گذارد و خودش را نشان می‌دهد. در این زمینه، ویکس<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۳: ۷) از موقعیت یک ساختارگرای اجتماعی، تمایل جنسی را به عنوان یک ساخت تاریخی می‌بیند که مجموعه‌ای از امکانات بیولوژیکی، ذهنی و اشکال فرهنگی مختلف را گرد هم آورده است. به این ترتیب، می‌توان گفت که درک معاصر از تمایلات جنسی با جهان اجتماعی و فرهنگی درهم آمیخته شده است و دانش ما از تمایل جنسی به طور اجتماعی از طریق گفتمان‌های در دسترس پا به میان می‌گذارد (شوب، ویلیس و دانک-وست<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷: ۴۲۹). از این رو، با توجه به این که ساحت غریزی میل جنسی، تحت تأثیر محیط فرهنگی-اجتماعی، هویت جنسی فرد را شکل می‌دهد و با نظر به این امر که تحت تأثیر محیط پیرامون ممکن است، تمایلات جنسی شکل آسیب‌زا یا طبیعی بگیرند، تدارک معارف و بسترهایی برای شکل دهی به ساحت جنسی متعادل، مهم است. اما چنین به نظر می‌رسد که ارائه معارف غنی در زمینه ساحت جنسی انسان در آموزش و پرورش ایران تا حدی مورد غفلت قرار گرفته شده است. در واقع، در حال حاضر، ایران دارای یک استاندارد مبهم از بحث‌های جنسی است که از یک سو به ترکیبی از فرهنگ سنتی ایران و دین اسلام، مبنی بر داشتن

## ۱. Samanta

<sup>۲</sup>. بر اساس تعاریف فعلی، سلامت جنسی بخشی از رفاه فیزیکی، عاطفی، ذهنی و اجتماعی در رابطه با روابط جنسی است (آریکان و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۲۸) و نقش مهمی در رشد، توسعه، تعدیل، سازگاری، بهزیستی، کیفیت زندگی، تمایلات جنسی و رفاه دارد (دساموند و هوبنر، ۲۰۱۲: نقل مک‌گرت و ساکلاریوس، ۲۰۱۶).

<sup>۳</sup>. Arikan

<sup>۴</sup>. Diamond & Huebner

<sup>۵</sup>. Mc Grath, & Sakellariou

<sup>۶</sup>. Hartmans, Comijs, & Jonker

<sup>۷</sup>. Park, Yeun, & Hwang

<sup>۸</sup>. Weeks

<sup>۹</sup>. Schaub, Willis, & Dunk-West

بکارت و بیان جنسی در حین ازدواج منتسب است و حتی به دلیل حجب و حیا، تربیت جنسی در خانواده‌ها و در مدارس در مقیاس اندک صورت می‌گیرد. چنانکه بحث‌های پراکنده‌ای در این رابطه در دروس بهداشت، علوم، زیست‌شناسی، معارف اسلامی و ادبیات گفته شده است، از سوی دیگر، ایدئولوژی عشق عاشقانه غربی و آزادی جنسی است که به تدریج بر کشور حاکم می‌شود. اخلاق جنسی که به دنبال این دو اعتقاد، پدیدار شده است، سردرگمی و تغییرات عمده‌ای را در اخلاق و سبک زندگی جامعه و بحث‌ها آکادمیک درباره‌ی رفتار جنسی، به وجود آورده است.

درواقع، با ورود تفکر غربی، کالایی شدن سکس، سردرگمی‌های روزافزونی در زمینه ارزش‌های اخلاقی در رابطه با امور جنسی و به تبعیت مسائلی زیادی در زمینه آزار و اذیت جنسی، خشونت و سقط جنین به وجود آمده است. در این راستا، امروزه شاهد جریان خودآیینی فزاینده بروز میل جنسی، به خصوص در میان گروه‌های سنی جوان‌تر هستیم. مثلاً طی چهار دهه گذشته، سن اولین مقاربت قانونی کاهش یافته و به‌رغم خطر ایدز، جوانان زیر بیست سال بیش‌ازپیش از نظر جنسی فعال شده‌اند. همچنین، زندگی مشترک پیش از ازدواج به یک قاعده تبدیل شده است و امری استثنایی نیست. بزرگ‌سالان نیز، به‌طور فزاینده‌ای میل به برقراری رابطه جنسی بیرون از چارچوب ازدواج دارند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۸۵؛ نقل در ذوالفقاری و رمضان، ۱۳۹۴). در واقع، با اینکه ایران یک کشور مسلمان است و اسلام و عقاید عمومی و عرفی ایران، روابط قبل از ازدواج و فعالیت‌های جنسی نامحدود را منع می‌کند، روند نگران‌کننده‌ای در بین جوانان ایران وجود دارد که به نظر می‌رسد روند کشورهای غربی را به پیش می‌برد و تجارب سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی در رابطه با بیماری‌های مقاربتی، اطلاعاتی را به ما می‌دهد که چه آسیب‌هایی گردن جامعه را گرفته است. بنابراین، ممکن است این سؤال پیش بیاید که چرا در ایران این امر، یک روند افزایشی گرفته است و جوانان زیادی در آن درگیر شده‌اند. این سناریو احتمالاً نشان می‌دهد که بچه‌های ما آموزش مناسب و همچنین راهنمایی‌های لازم را درباره‌ی امور جنسی دریافت نمی‌کنند. در واقع، چنین به نظر می‌رسد که غیرازاینکه بحث‌های جنسی از یک‌سو هنوز در بین خانواده‌ها موضوعی تابو است و حتی عموم و سیاست‌گذاران بر این اعتقادند که ارائه اطلاعات به نوجوانان در مورد سکس، ممکن است بر آن‌ها برای درگیری در فعالیت‌های جنسی قبل از ازدواج تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، تحت تأثیر این باور است که آن یک ساحت غریزی است، به همین جهت با بلوغ به‌صورت غریزی رشد می‌کند و مسیر خود را می‌پیماید و تحت تأثیر معارف قرار نمی‌گیرد.

در این راستا، باید درک کرد که تمایل جنسی و کنجکاوی از ویژگی‌های دوره نوجوانی است و در عصری هستیم که جوانان بیش‌ازاندازه در معرض محتوای رسانه‌ها و تصاویر مستهجن و کسب اطلاعات از دوستان و اینترنت و افزایش میل به امتحان رابطه جنسی هستند. بنابراین باید ضمن ارائه معارف مستدل و محکم برای ایجاد روابط سالم، این امکان را فراهم کرد که به گفته باقری (۱۳۸۴) فرد به تقوای حضور برسد. با نظر به این امر، آموزش جنسی نه‌تنها باید بحث‌های فرهنگی را در بر بگیرد، بلکه نحوه پیشگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربتی را نیز هم آموزش دهد. چراکه به دلیل قوی بودن تمایل جنسی، اگر درصدی بر خلاف فرهنگ رایج در این مسیر افتادند، بر بار مشکلات جامعه افزوده می‌شود. در واقع، گذر سالم به هویت جنسی، نیاز به آموزش سیستماتیک معارف جدید هم برای شکل‌گیری هویت و نگرش جنسی و هم برای رابطه جنسی ایمن و سالم دارد. به همین دلیل، با نظر به این‌که آسیب‌های ناآگاهی از این ساحت، تزلزل زندگی را در پی داشته است و معرفت جنسی، به نیاز جنسی قبل و بعد از ازدواج سروسامان می‌دهد؛ در این پژوهش به دنبال بررسی نحوه تأثیر معارف جنسی بر نگرش جنسی و به تبع آن روابط جنسی هستیم. در واقع، چگونه معارف مختلف و متعدد بر فعالیت و رفتار جنسی تأثیر گذاشته است؟ با نظر به این‌که دین از جمله نیروهای اصلی است که تا حدودی نگرش انسان را شکل می‌دهد (سمنتا، ۲۰۱۶)، در این مقاله، ضمن بررسی رابطه معرفت جنسی با رفتارهای جنسی، دیدگاه اسلام نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، به‌طور ضمنی به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها هستیم که آیا نرم‌های اخلاقی و جنسی به‌تنهایی در کنترل روابط جنسی تأثیر دارند؟ آیا تمایلات جنسی توسط باورهای ارزشی تحت کنترل قرار می‌گیرند؟ آیا باورهای دینی مربوط به رابطه

جنسی و بحث از آن در خانواده، نظام‌های آموزشی را از آموزش و ایجاد معرفت جنسی معاف می‌کند؟ چگونه می‌توان از باورهای دینی در کنترل امور جنسی بهره برد؟

## ۲- روش پژوهش

هدف در این مقاله واکاوی نقش معارف در شکل دهی به باورها و رفتارهای جنسی است. برای دستیابی به این هدف از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شد. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال توصیف موضوع مورد مطالعه است. به عبارت دیگر، محقق به توصیف منظم و نظام‌دار موضوع می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه می‌نماید. این گونه تحقیقات از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- تحقیقات توصیفی محض: محقق در این نوع تحقیقات صرفاً به کشف و تصویرسازی ماهیت، ویژگی‌ها و وضعیت موجود و مسئله تحقیق می‌پردازد. ۲- تحقیقات توصیفی- تحلیلی: محقق در این نوع تحقیقات، علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد، این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۶۱-۵۸).

بنابراین روش پژوهش در بعد توصیفی، مبتنی بر بررسی دیدگاه متفکران به ویژه ادیان و پژوهش‌های صورت گرفته درباره مسائل جنسی است؛ در بعد تحلیلی نیز مبتنی بر تشریح و تبیین مبانی معرفت‌شناسی و استدلال‌های ناظر بر وجود این مبانی، به بررسی تأثیرات این مبانی در اخلاق جنسی پرداخته شده است. در واقع، همان‌طور که مریام<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۸) می‌گوید تحلیل یک فرایند مداوم در طول کل پژوهش است که از زمان شروع به جمع‌آوری داده‌ها و نوشتن یک پژوهش، آغاز می‌شود. به عبارتی، تحلیل با انتخاب نخستین سند و گزینش نخستین مطالب خاص آغاز می‌شود و یادداشت‌ها در ابتدا، برای تمایز برجسته‌ترین داده‌ها خدمت می‌کنند (نقل در هاوول<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱).

## ۳- رویکردهای تربیت جنسی

بر اساس مطالعه‌ای که در بررسی پیشینه صورت گرفته است، می‌توان رویکردهایی که درباره‌ی ارائه معارف جهت شکل‌گیری رفتارهای جنسی وجود دارد را در سه دسته قرار داد. در یک رویکرد امور جنسی نفی شده است، در رویکرد دیگر به آن آزادی زیاد داده و خواستار ارضا فوری آن است و در رویکرد سوم، اعتدال و مسئولیت‌پذیری نسبت به آن مورد پذیرش قرار گرفته است. ضمن بحث از آن‌ها، سعی شده دیدگاه مسیحیت و اسلام در این زمینه به صورت روشن و متقن بیان شود.

### ۳-۱- رویکرد نفی

رویکرد نفی نسبت به غریزه جنسی، ناظر بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات، لذات دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است. علت گرایش به رویکرد نفی نسبت به غریزه جنسی و به تبع آن گرایش به رهبانیت، ریشه در تمایل بشر برای وصول به حقیقت، آمیخته بودن لذات مادی به پاره‌ای از رنج‌های معنوی، محرومیت و شکست در موفقیت‌های مادی مخصوصاً شکست در عشق، افراط در خوش‌گذرانی و کام‌جویی دارد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۳۹۸-۳۹۹). رویکرد نفی، در آیین‌هایی همچون آیین برهمنی<sup>۱۲</sup> (۸ تا ۹ ق. م)، آیین جاینی یا جینیسم<sup>۱۳</sup> (۶ ق. م) و آیین بودایی<sup>۱۴</sup> (۶ ق. م) در

10. Merriam

11. Howell

12. Brahmanism

13. Jainism

14. Buddhism

هند، آیین تائوئیسم<sup>۱۵</sup> (۵۱۷-۵۷۰ ق.م) در چین، آیین مانئی<sup>۱۶</sup> (۲۴۰ م) در ایران باستان، کلبی‌گری<sup>۱۷</sup> (۴۴۴-۶۰۰ ق.م) در یونان باستان، اسین<sup>۱۸</sup> (۲ ق.م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح، وجود دارد. علاوه بر آیین‌هایی که ذکر شد، برخی از فیلسوفان مسیحی آن را محکوم کردند. به‌عنوان مثال آگوستین<sup>۱۹</sup> استدلال کرده که لذت‌های جنسی هنگام تسلط بر ما خطرناک هستند و رابطه جنسی را تنها برای تولیدمثل مجاز می‌داند (شهرخدا، ج ۱۴، راجع به ازدواج و هوس)، در همین رابطه، آکویناس<sup>۲۰</sup> نیز مجاز بودن رابطه جنسی را به ازدواج و عمل تولیدمثل محدود کرده است. امانوئل کانت<sup>۲۱</sup> (در سخنانی درباره اخلاق) رابطه جنسی را تنها به‌عنوان تمایلی در نظر گرفته که نمی‌تواند امر مطلق<sup>۲۲</sup> را برآورده کند و ژان پل سارتر<sup>۲۳</sup> ادعا کرده است که هدف میل جنسی از بین بردن آزادی دیگری است (۱۷۸۵، ۱۷۹۱، ۱۷۹۵) (دانشنامه فلسفه استنفورد<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۸).

### ۳-۲- رویکرد آزادی و خودآیینی فزاینده جنسی

در طول دوران معاصر، اندیشمندان متعددی راجع به رفتار جنسی آزاد اظهارنظر کرده‌اند که شروع آن با زیگموند فروید<sup>۲۵</sup> (۱۹۰۵) و برتراند راسل<sup>۲۶</sup> (۱۹۲۹) می‌باشد. این دو متفکر معتقدند که رابطه جنسی به‌طورکلی خوب است. همچنین قبل از آن‌ها، مارک دو ساد<sup>۲۷</sup> که می‌خواست به شدت در ارائه نظریه‌های جدید متفاوت باشد، از همه انواع اعمال جنسی از جمله تجاوز جنسی تجلیل می‌کرد (۱۷۸۵، ۱۷۹۱، ۱۷۹۵) (دانشنامه فلسفه استنفورد، ۲۰۱۸). اما این دیدگاه فروید بود که بیش از همه تأثیر خود را بر جامعه نشان داد.

به همین ترتیب، در جریان دهه ۱۹۲۰، با اینکه انتظارات فرهنگی مسلط بر پرهیز از رفتار جنسی تا زمان ازدواج تأکید می‌کردند، خرده‌فرهنگی توسعه یافت که روابط جنسی بدون عقد را ترویج داد. چنانکه بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۵۰، درصد زنانی که رفتار جنسی قبل از ازدواج را پذیرفتند به بیش از دو برابر، افزایش پیدا کرد. در واقع، در همان زمان که تک‌همسری و خودداری از رفتار جنسی پیش از ازدواج به‌عنوان قواعد فرهنگی ادامه می‌یافت، کینزی<sup>۲۸</sup> از «ازدواج باز» حمایت کرد. اگرچه دیدگاه‌های کینزی در طول زندگی اش ضدفرهنگی بود، اما نظرات او بعد از گذشت چند دهه از مرگش، پایه‌ای برای «تربیت جنسی» فراهم کرد. او با انجام یک سلسله آزمایش‌های جنسی، این اندیشه را ایجاد کرد که ریاضت قبل از ازدواج می‌تواند منجر به آسیب روانی یا عاطفی شود. تحقیق او همچنین راه را برای جنبش‌های آینده یعنی حقوق همجنسگرا، حقوق جنسی و حقوق زنان باز کرد. در ادامه این فرایند، انقلاب جنسی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به‌وسیله خودنمایی، لذت جنسی فوری، رابطه جنسی بدون پیوند عاطفی یا تعهد و آزادی عمومی برای استفاده از بدن خود- به‌طوری‌که می‌خواهد از آن لذت ببرد- نمایان شد (هیوبر و فرمن<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۴). در این رابطه، مقاربت یگانه‌گرایش مسلط در غرب شد، البته این بیشتر از آنکه تحت تأثیر دیدگاه اندیشمندان باشد، در ابتدا ناشی از پیامدهای سیاسی جنگ نیز بود که ارزش‌های با فضیلت‌تر- که وابسته به عشق بودند- را از بین برد. به این ترتیب، صرفاً تمرکز بر رابطه جنسی پیرامون تأمین نیازهای بدنی و لذت جسمی مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر، جهانی شدن نیز جهانی بدون مرز ایجاد کرد که در آن، دیدگاه افراد یک منطقه در زمانی کوتاه، دیگران را تحت تأثیر قرار می‌داد. در این راستا، در عصر حاضر، آزادی به‌عنوان یک ارزش پذیرفته شد و تأثیر

15. Taoism

16. Many

17. Cynicism

18. Essene

19. Augustine

20. Aquinas

21. Immanuel Kant

22. Categorical Imperative

23. Jean-Paul Sartre

24. Stanford Encyclopedia of Philosophy

25. Sigmund Freud

26. Bertrand Russell

27. Marquis de Sade

28. Kinsey

29. Huber and Firmin

زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی بشر مانند سیاست، فرهنگ، مذهب و از جمله در موضوع عشق (اخلاق جنسی) گذاشت (مونفریدا<sup>۳۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). این جنبش که «سوژه لیبرال» را به وجود آورد به همین ترتیب، مدیون «فردگرایی خودخواهانه» و مدل متعاقب، «مالکیت خود» است. بنابراین، الگوی غربی حقوق جنسی فردی تا حد زیادی متکی بر سوژه‌های متعلق به خود است که رابطه آن‌ها با بدن و تمایلات جنسی، یکی از مالکیت‌ها محسوب می‌شود. در اینجا هم بدن‌ها و تمایلات جنسی به‌عنوان دارایی در نظر گرفته شد و هم موضوع دانش و وسیله خود دانشی شدند. این پویایی، میدان مبارزه بین رهایی و کنترل را تعیین می‌کرد (ساباسای<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۶).

با نظر به این اتفاقات، دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ را عصر «انقلاب جنسی» می‌نامند، زیرا احساسات شدید عشق و نفرت، در این عصر نمادین بود. به این صورت که مخالفان فرهنگی که به جنگ و یتنام اعتراض کرده بودند، خرده‌فرهنگی را ایجاد کردند که به‌طور هم‌زمان به وسیله نمایش «عشق به تو»، ارتباط برقرار کردن را ترویج می‌دادند. بعد از انقلاب جنسی، شاخص‌های کلیدی دیگری مانند خرده‌فرهنگ هیپی، مواد مخدر و عشق آزاد؛ ظهور اخلاق موقعیتی؛ قرص و سقط‌جنین، آموزش جنسی و بودجه دولتی و تولد سازمان‌های «طرفدار جنس» نیز این بحث‌ها را تحت تأثیر قرار دادند.

به‌طور خلاصه، اندیشه محوری در این رویکرد این است که همه استعدادهاي دروني باید پرورش یابد. زیرا شکوفایی استعدادهاي فطري و طبيعي، باعث نشاط و شادکامی و تعادل روحي و رواني فرد می‌شود، اما جلوگیری و تحت فشار قرار دادن آن‌ها، موجب هزاران ناراحتی، اضطراب، جنایت و انحراف می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۴۴-۶۵۱).

### ۳-۳- رویکرد اعتدال و روابط مسئولانه با تأکید بر دیدگاه اسلام

رویکرد اعتدال در روابط جنسی یکی از رویکردهایی است که از دوران گذشته هم‌پا با دیگر رویکردها مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه فوکو معتقد است که روابط جنسی مسئولانه قبل از رویکردهای دینی وجود داشته است. اما امروزه به‌واسطه اینکه ادیان تأکید زیادی بر روابط جنسی مسئولانه داشته‌اند با رویکرد دینی شناخته می‌شود. این رویکرد نه تنها در پی نابود کردن استعدادهاي فطري و طبيعي نیست، بلکه با آشفته‌گی، بی‌نظمی و به اختلال کشاندن استعدادهاي طبيعي انسان مخالف است. زیرا اعتقاد بر این است که همان‌طور که محرومیت باعث ایجاد عقده‌های روانی می‌شود، آزادی بیش‌ازاندازه نیز باعث اختلالات روانی و انحرافات جنسی می‌شود. دیده شده است که در جوامعی که آزادی روابط بین زن و مرد محدود به خانواده و ارتباط سالم و مسئولیت‌پذیری بوده است، زمینه رشد عشق‌های پاک و در نتیجه خلق آثار هنری و ذوقی و اجتماعی و سلامت روان و بهداشت جنسی فراهم شده است (نقل از مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹: ۶۴۴-۶۵۱). بر همین اساس، امروزه بعد از رویکرد نفی نسبت به گزینه جنسی که منجر به ترویج اخلاق مبتنی بر رهبانیت و رویکرد خودآیینی فزاینده جنسی که باعث ترویج آزادی جنسی شد؛ اندیشمندان حوزه روابط جنسی به دنبال تأیید این رویکرد هستند. در این راستا، دنیای غرب نیز متوجه شده است که رابطه جنسی آزاد منجر به عدم ثبات ازدواج و از بین رفتن کانون خانواده می‌شود و لذا، به نوعی خواهان اخلاق جنسی مسئولانه هستند. در این راستا، ادیان دستورات ویژه‌ای برای روابط جنسی مسئولانه دارند. در واقع، دین و معنویت عامل‌ها فرهنگی مهمی برای درصد زیادی از همه نژادها و قومیت‌ها در جهت بهبود روابط جنسی هستند (لاسیتر<sup>۳۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۲). به‌عنوان مثال، ویژگی‌های اصلی اخلاق جنسی در کتاب مقدس عبارت‌اند از: «صرفه‌جویی در رابطه جنسی برای ازدواج، ابراز رابطه جنسی به‌طور خصوصی، احترام گذاشتن به وفاداری جنسی به‌طور علنی و نظم بخشیدن به امیال جنسی در بزرگسالان به خاطر ثبات خانواده است». البته در کتاب مقدس نظر منفی درباره رابطه جنسی نیز وجود دارد، اما آنچه خداوند منع کرده است، خودسرانه نیست، بلکه به خاطر محافظت از چیزهای بسیار مثبت و مطلوب است. از نظر آن‌ها خداوند میل جنسی را بسیار مثبت می‌بیند و با هر چیزی که باعث نارضایتی آن شود، مخالفت می‌کند (شارک<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۴).

30. Munfarida

31. Sabsay

32. Lassiter

33. Schrock

چنانکه در متی (۹: ۱۹ و ۶) آمده است که «بنابراین از آن پس دیگر دو نیستند، بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد. به شما می‌گویم هر کس زن خود را به علتی غیر از خیانت زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است». آنچه در این آیات به مسیحیان می‌گوید این است که عمل جنسی یک قدرت الزام‌آور دارد. در خروج ۲۲: ۱۶ می‌گوید: «اگر مردی دوشیزه‌ای را که نامزد کسی نباشد، اغوا کند و با او هم‌بستر شود، باید مهریه‌اش را بپردازد و او را به زنی بگیرد. اگر پدر دختر به هیچ‌وجه راضی نباشد او را به وی دهد، باز مرد مکلف است مبلغی برابر مهریه دوشیزگان به او بپردازد». این به معنای این است که عمل به معنای عمق عشق است که نمی‌تواند موقتی و بی‌ثبات باشد. یک عمل جنسی بدون بستری از تعهد عینی و ذهنی از اتحاد دائمی، یک خلاف‌گویی ذاتی یا بدتر یک دروغ و فریب است. عمل جنسی تنها در بستری از اتحاد عینی و ذهنی تا زمان مرگ انجام می‌شود. اما خود این عمل چیست و به چه معنایی است. کتاب پیدایش می‌گوید که «عمل جنسی زن و مرد را به یک گوشت (جسم)<sup>۳۴</sup> تبدیل می‌کند». سنت پل<sup>۳۵</sup> یک قدم جلوتر می‌رود و می‌گوید: «آن‌ها یک بدن<sup>۳۶</sup> می‌شوند». برای سنت پل «بدن» یک مفهوم مهم است همان‌طور که کلیسا بدن مسیح است. انتقال از گوشت به بدن به ما تضمین یک ارگانیسم را می‌دهد. شاید گوشت فقط یک تکه (یا حتی مجموعه‌ای از قطعات بی‌ارتباط) از بدن باشد. با این حال، سنت پل پیدایش را این‌گونه تعبیر می‌کند که می‌خواهد به ما بگوید که اینجا اتحاد همانند یک بدن وجود دارد. مطمئناً نه او و نه پیدایش در مورد بدن مرده صحبت نمی‌کنند. بنابراین، زن و شوهر به یک بدن زنده تبدیل می‌شوند. اما یک بدن زنده دقیقاً یک ارگانیسم است و ایده عمل جنسی به صورت هنجاری، اثری از یک عمل یک گوشت/بدن شدن است که از یک پدیدارشناسی عمیق برخوردار است. در تحلیل اتحاد جنسی باید گفت: زن و شوهر به یک ارگانیسم در عمل جنسی تبدیل می‌شوند. البته زن و شوهر همچنین از جهات دیگر یک ارگانیسم می‌شوند، برای مثال از طریق همکاری در پرورش فرزندان، از طریق تقویت همدیگر در کار روزانه خودشان و فراتر از همه این‌ها، از طریق تعقیب متقابل پادشاهی خدا. از این رو، این یک وحدت ویژه است که از طریق عمل جنسی متأثر می‌شود. اما هدف تلاش‌های این ارگانیسم چیست؟ از نظر بیولوژیکی پاسخ کاملاً روشن است: «تولید مثل». در معنای طبیعی اتحاد بیولوژیکی در عمل جنسی، اتحاد روحی افراد نیز به‌طور ضمنی درک می‌شود. بدین ترتیب، با کاهش عمدی اتحاد بیولوژیکی در عمل جنسی، کاهش اتحاد روحی نیز وجود دارد (پروس<sup>۳۷</sup>، ۲۰۰۰).

درباره‌ی دیدگاه اسلام، در ابتدا باید درباره دیدگاه کلی آن در مورد امور جنسی صحبت کرد و سپس مجموعه احکام آن را درباره‌ی شکل‌دهی به باورهای جنسی، بیان کنیم. از نظر اسلام، خداوند موهبت میل جنسی را مثبت می‌بیند، اما رابطه جنسی خوب را نیز متفاوت از رابطه جنسی غیرشرعی در نظر می‌گیرد. در رویکرد اسلامی، یک مسلمان در حیطه رفتار جنسی، ملزم به پیروی از دستورات الهی همچون عفت و غیرت، ازدواج به موقع و صحیح و محدود کردن فعالیت‌های جنسی به چهارچوب خانواده است تا با عمل به این دستورات، در پرتو لطف الهی به درجه نفس مطمئنه دست پیدا کند. در این حالت، دیگر تزئین‌گری‌های شیطان و نفس اماره، او را وسوسه نخواهد کرد. در این راستا، باید این نکته را نیز ذکر کرد که با توجه به ضعف انسان، در صورت ارتکاب او به عمل غیراخلاقی، خداوند این امکان را برای انسان فراهم کرده است که با پیروی از دستورات نفس لوامه، بتواند با تلاشی مضاعف به مسیر نفس مطمئنه برگردد. البته حرکت در این مسیر، سهل و آسان نیست و نیازمند خود مراقبتی و ایمان راستین به خداوند، روز جزا و لطف الهی است که این امر باید در طول زندگی دنیوی انسان جاری و ساری باشد؛ زیرا گزینه جنسی به خاطر شور و التهاب و نیرومندی‌اش، چه در دوران تجرد و چه در دوران تأهل، میل به زیر پا گذاشتن حدود الهی دارد. ویل دورانت، در این باره می‌گوید: «سروسامان بخشیدن به روابط جنسی همیشه مهم‌ترین وظیفه اخلاق به شمار می‌رفته است، زیرا گزینه تولیدمثل نه تنها در حین ازدواج، بلکه قبل و بعد از آن

34. flesh

35. Saint Paul

36. body

37. Pruss

نیز مشکلاتی فراهم می‌آورد و در نتیجه شدت و حدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹: ۶۳۴-۶۳۳). با توجه به این امر، دین اسلام تلاش کرده است با به رسمیت شناختن غریزه جنسی و مبتنی کردن آموزه‌های اخلاق جنسی بر روح فطری و انسانی انسان، به این غریزه به نحوی معتدل و سوسامان ببخشد که نه آن را حذف و محو و نه آزاد بگذارد و به تحریک آن دامن بزند، بلکه آن را در قالب ازدواجی آرامش‌بخش ارضاء کند (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۲).

به این ترتیب، اسلام نیازهای جنسی انسان را هم به منظور زایش و هم لذت به رسمیت می‌شناسد. در واقع، سکس در اسلام یک تمایل فطری (تمایل ذاتی) است که در آن نیاز به ارضاء شدن از طریق رابطه جنسی با جنس مخالف است. با این وجود، برآورده کردن نیازهای جنسی در اسلام، باید به شکلی مسئولانه انجام گیرد، یعنی در چهارچوب قانونی ازدواج باشد. به این ترتیب، اسلام مخالف مفهوم سکس آزاد است و همچنین سکس خارج از ازدواج یا زنا را به خاطر پیامدهای فاجعه‌بار آن مانند تخریب نهاد خانواده، گشودن درهای تحقق نامحدود شهوات و شیوع بیماری‌های مقاربتی، مشکلات بارداری ناخواسته و کشتار و سقط جنین، منع می‌کند. بنابراین کسانی که مرتکب زنا می‌شوند مرتکب یکی از بزرگ‌ترین گناهان اسلام شده‌اند. چنانکه خداوند در سوره فرقان آیه ۶۸ می‌فرماید:

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا

و کسانی اند که با خدا، معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس این‌ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد.

در سوره الرحمن آیه ۵۶ نیز می‌فرماید:

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْفُسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

در باغ‌های بهشتی زنانی هستند که جز به همسران عشق نمی‌ورزند و هیچ انس و جن قبلاً با آن‌ها تماس نگرفته است. اما اسلام فقط به منع و گناه این کار اکتفا نمی‌کند، بلکه در این زمینه برای ارائه آگاهی جنسی، یک سری دستورالعمل‌ها را ارائه می‌دهد. چنانکه در آیه ۵۹ سوره نور می‌فرماید:

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و آنگاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان (البته همه وقت) با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند و خدا (به صلاح بندگان) دانا و (در وضع تکلیف) محکم کار است.

پیامبر اسلام (ص) نیز می‌فرماید:

فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ

وقتی فرزندان هفت ساله شدند، رختخواب آن‌ها را جدا کنید (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۱۰۱: ۹۶-۹۷).

در واقع، والدین طبق دیدگاه اسلام موظف هستند که احترام به حریم خصوصی را به فرزندان خود بیاموزند. بنابراین، یکی از اموری که در اسلام به آن توجه شده، این است که فرزندان نباید بدون اجازه والدین وارد اتاق خواب آن‌ها شوند. این امر برای اطمینان از این است که کودکان شاهد صحنه‌های نامناسب نباشند که ممکن است بر آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. چنانکه در این رابطه خداوند در آیه ۵۸ سوره نور می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصْعُونَ فِي آيَاتِكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدُهَا أَنْ تَطَافُوا عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه‌روز از شما کسب اجازه کنند، پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام برهنگی

شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید] خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده کار است.

بدیهی است که اسلام نجابت و حیا (کمرویی درخور) یا فروتنی در زندگی انسان را تبلیغ می‌کند، زیرا این ویژگی‌ها انسان را از رفتار غیر اخلاقی و تخریب سعادت‌مان محافظت می‌کنند. از این رو، اسلام به والدین و محافظان بچه‌ها دستور می‌دهد که قبل از ورود به سن بلوغ، با استفاده از دستورالعمل‌های ارائه شده توسط دین، ذهن و شخصیت بچه‌ها را شکل دهند. بنابراین آنچه مدنظر اسلام است این است که در این زمینه، خانواده‌های مسلمان مفهوم صحیحی از حیا را ایجاد کنند. در این رابطه منابعی مانند قرآن و احادیث را باید به عنوان منبع اطلاعات در زمینه روابط جنسی غیرقانونی قبل از ازدواج را معرفی کنند (احمدسادن<sup>۳۸</sup>، ۲۰۱۵). جالب است که قرآن در آیه ۳۲ سوره اسرا می‌فرماید:

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

و به زنا نزدیک مشوید چرا که آن همواره زشت و بد راهی است.

درواقع زنا شرم‌آور است و شری است که راه را بر بدی‌های دیگر باز می‌کند.

همان طور که می‌دانیم احادیث متعددی بر تلاوت قرآن در خانه و بین خانواده تأکید می‌کند. زمانی که والدین به طور فعالانه آیات قرآن را در این زمینه با فرزندان‌شان به اشتراک بگذارند زمینه تعامل صحیح با آن‌ها و گفتگو در مورد مسائلی مانند بحث‌های جنسی پیش می‌آید. به عنوان مثال از آیاتی که زمینه بحث و گفتگو را در مورد تربیت جنسی فراهم می‌آورد، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور است. خداوند در این آیات می‌فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیدا است و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم‌کیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان و قوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به‌گونه‌ای] به زمین [نکوبند] تا آنچه از زینت‌شان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

والدین باید به طور واضح از این آیات و احادیث استفاده کنند تا ضمن شروع بحث درباره‌ی مسائل جنسی از دیدگاه اسلام، آن‌ها را از اثرات منفی روابط نامشروع، آگاه سازند. محافظت بیش از حد ممکن است فرزندان را زندانیان خانه‌های خودشان سازد که سلامت عاطفی آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد یا ممکن است که فرزندان هیچ‌وقت یاد نگیرند که چگونه مسئولیت را بر عهده بگیرند یا از پس موقعیت‌هایی که در زندگی‌شان به وجود خواهد آمد، برآیند. همان طور که در این زمینه یک جمله با معنا هست که می‌گوید «مهم این نیست که در جای لغزنده نباشید و نلغزید، مهم این است که در جای لغزنده باشید و نلغزید».

از این رو والدین باید علناً به بحث و گفتگو با فرزندان خود بپردازند و از پیامدهای رابطه جنسی قبل از ازدواج مانند ایجاد صدمات روحی به خانواده و دین‌داری او، عزت، افتخار و تبار، بارداری ناخواسته و بیماری‌های که از طریق سکس انتقال می‌یابند و پیامدهای چنین عملی از جنبه‌های دینی، سلامتی، روان‌شناختی و عاطفی صحبت کنند. در واقع وقتی فرزندان به سن بلوغ می‌رسند، باید والدین و همچنین مدارس آیین‌هایی که توسط اسلام بیان شده است را بازگو کنند تا آن‌ها دلایل چنین آیین‌هایی را به‌طور مستند، بدانند. زیرا این آیین‌ها در راستای نفع فرد، بشر و ترقی جامعه سالم است.

به این ترتیب، اسلام انجام عمل جنسی را منع نمی‌کند، بلکه فقط رفتار جنسی انسان را به‌منظور حفظ عزت و کرامت و اخلاق فرد که برای رشد معنوی سالم شخص و همچنین رفاه کل جامعه ضروری است، تعدیل می‌کند. والدین باید فرزندان را برای اینکه استاد تمایلات و خواسته‌های خود باشند نه برده شهوات، تربیت کنند (احمدسادن، ۲۰۱۵).

گرچه رویکرد اسلامی نسبت به بحث جنسی در ابتدا مبتنی بر آموزش خانواده و آداب دینی است، اما در نهایت، این امر مبتنی بر یک مراقبت فردمحور است. به عبارت دیگر، در واقع، دیگر تقوای حضور فرد اهمیت پیدا می‌کند. بدین صورت که با نظر به درونی شدن معارف در افراد، آن‌ها به‌صورت ارزش در فرد تداوم می‌یابند. در واقع، گرچه ممکن است فرد در جایی که تحریک‌کننده تمایلات جنسی، او است قرار گیرد، اما با نظر به معارف درونی خود را در مرتبت و مکانی فراتر می‌بیند و به این طریق، از آلودگی شرایط مصون می‌ماند (باقری، ۱۳۸۴: ۷۷). چنانکه خداوند در سوره مائده آیه ۱۰۵ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کسی که گمراه شده است، به شما زیانی نمی‌رساند. فضای بحث در این آیه، حضور در متن جریان‌های فاسد و دشوار و نه قرنطینه و قرار گرفتن در محفظه‌ای نفوذناپذیر است. با نظر به این امر، می‌توان گفت بین معرفت‌شناسی جنسی و اخلاق جنسی به تدریج پیوند برقرار می‌شود. بر این اساس، معرفت جنسی باید ویژگی‌های فضیلتی خاصی را تقویت کند و دانش اساسی را درباره‌ی روابط جنسی انسان فراهم کند تا به تبع اخلاق جنسی نیز تقویت شود. معرفت اخلاقی جنسی مؤثر نه تنها باعث شکل‌گیری هنجاری و شناختی می‌شود، بلکه باعث پرورش مهارت‌هایی مانند مواجهه با نیازهای عاطفی برای صمیمیت و عشق به طریق متناسب با جایگاه فرد در زندگی می‌شود (استفنز و جونگ، ۲۰۱۵).

#### ۴- معارف و باورهای جنسی و شکل‌گیری رفتار جنسی

همان‌طور که دیدیم، بسته به نوع رویکرد و معرفتی که نسبت به امور جنسی وجود داشت، امور جنسی در آن فرهنگ متأثر شده است. بنابراین، گرچه سکسچوالیته بیولوژیکی مبتنی بر ویژگی‌های سکسی اصلی است که در بدو تولد وجود دارد، اما رفتارها و امور جنسی از معارفی که در آن جامعه وجود دارد، متأثر شده است. این جامعه‌پذیری به‌گونه‌ای است که با نظر به مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر یعنی بسته به مکان نیز، دیدگاه افراد تحت تأثیر قرار گرفته است. چنانکه ملدروم<sup>۳۹</sup> و همکارانش (۲۰۱۴) در پژوهشی در بین زنان مسلمان در استرالیا دریافتند که آگاهانی که به‌طور استواری به ایده‌های اسلامی نیز متعهد بودند، بیان کرده‌اند که به‌طور ظاهری، ظاهر خود را اسلامی نشان می‌دهند، اما از لحاظ بیان سکس تحت تأثیر فرهنگ استرالیایی قرار گرفته‌اند. بنابراین، معارف جنسی هر جامعه بر مفاهیم هویت و گرایش جنسی تأثیر گذاشته است. در واقع، در فرهنگ‌های مختلف تمایلات جنسی در افکار، فانتزی‌ها، خواسته‌ها، باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، اعمال، نقش‌ها و رابطه‌ها به شکل متفاوتی تجربه و بیان می‌شود.

بنابراین، ایده سکسچوالیته به‌طور اجتماعی ساخته می‌شود و متأثر از ایده‌ها، هنجارها، اعتقادات و اعمال مردم است. می‌توان گفت که توسط لایه‌های زیر نیز شکل داده می‌شود: (۱) زبان و گفت‌وگو، (۲) عامل و عمل (۳) قدرت ارتباطات سازمان‌دهی شده و ساخت

<sup>39</sup>. Stephens & Jung

<sup>40</sup>. Meldrum

یافته، ۴) اعمال جسم یافته، تجربه‌های جنسی و معناهایشان و ۵) مشخصات تاریخی (باباتونده و اکی<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۵). به این ترتیب، شناخت چیزی نیست که در ذهن فرد پیش برود. چنانکه تحقیقات معاصر در زمینه علوم اعصاب، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، دین و فلسفه علم نشان می‌دهد که شناخت آغشته، متضمن، ادغام‌شده و آمیخته، گسترش یافته و توزیع می‌شود. در واقع مغز یک عضو ایزوله نیست، آن از طریق یک سیستم عصبی پیچیده در یک بدن جسم می‌یابد، به تعدادی از زیرسیستم‌ها تقسیم می‌شود که کم‌وبیش آن را کنترل می‌کنند. این سیستم‌ها توسط یک نقطه عصبی در مغز هماهنگ می‌شوند و یکی از آن‌ها، به نام سیستم عصبی خودکار<sup>۴۲</sup>، در قسمت‌های عمیق‌تر مغز نزدیک به غده هیپوفیز<sup>۴۳</sup> سرچشمه دارد و هموستاز<sup>۴۴</sup> را از طریق دو زیرسیستم تنظیم می‌کند: سمپاتیک و پاراسمپاتیک<sup>۴۵</sup>. این سیستم‌ها به حالات بدنی اجازه می‌دهند که توسط محرک‌های داخلی و خارجی تحت تأثیر قرار بگیرند. این شبکه از زیرسیستم‌ها به عنوان یک کل عمل می‌کند، بیرون و درون را در یک موجود ظاهراً یکپارچه به هم متصل می‌کند که علاوه بر این هم به سیستم لیمبیک<sup>۴۶</sup> ما و هم سیستم کنترل اجرایی ما متصل است. سیستم لیمبیک مرکز عاطفی ما است و سیستم کنترل اجرایی ما که در قشر جلوی مغز وجود دارد، جایی است که کارکردهای شناختی بالاتر و احساس‌ها اتفاق می‌افتد. واقعیت این است که این دو حوزه حیاتی، از نزدیک با سیستم عصبی سیستم هورمونی<sup>۴۷</sup> و تنظیم هموستاتیک بدن<sup>۴۸</sup>، ارتباط دارند. بدین معنا که همه این جنبه‌ها یعنی فرایندهای بدنی و محرک، عواطف و احساس‌ها، شناخت مرتبه بالاتر و ... به هم متصل هستند. بنابراین، کل سیستم پیچیده می‌تواند به وسیله‌ی وسایل مختلف در هر نقطه از سیستم تحت تأثیر قرار بگیرد. برای مثال، حالات یا احساس‌های ذهنی می‌توانند تعادل هموستاتیک بدن را متأثر سازند. از طرف دیگر و به طور قابل توجهی به عنوان مثال دین یا هر معرفت دیگر، حالات ذهنی و عاطفی ما را متأثر سازد. این سیستم تعاملی می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در دست‌های کسانی باشد که می‌دانند چگونه از آن استفاده کنند. کسانی که می‌توانند سیستم عصبی ما را دست‌کاری کنند و ایده‌ها، ارزش‌ها و تمایلات خودشان را در ذهن ما خالی کنند. البته، ما تخته‌سنگ‌های سفیدی نیستیم، بلکه ما بیش از حد موجوداتی اجتماعی هستیم که دوست داریم برای خوشحال کردن دیگران با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. بنابراین، اجتماعی بودن به طرز شگفت‌انگیزی باعث می‌شود ما در برابر دست‌کاری آسیب‌پذیر باشیم. بنابراین از نظر تئوری زیست‌فرهنگی، تزئین و تجسم، فاکتورهای کلیدی هستند. این به این معناست که کارکردهای شناخت در بستر مغزها جسم می‌یابد (گرتز<sup>۴۹</sup>، ۲۰۱۰: ۳۰۷-۳۰۸). به عبارت دیگر، با نظر به مجموعه معارفی که کسب می‌کنیم، شناخت توزیع می‌شود و گسترش می‌یابد و همچنین تجسم می‌یابد. منظور از اینکه شناخت توزیع می‌شود و گسترش می‌یابد این است که شناخت ما به طور معمول ساختاری که در محیط طبیعی و اجتماعی وجود دارد را به کار می‌گیرد و آن را گسترش می‌دهد یعنی فراتر از مرزهای ارگانیک فردی می‌رود (گرتز، ۲۰۱۰). همان‌طور گائونون و سایمون<sup>۵۰</sup> می‌گویند قسمت اعظم زندگی اجتماعی در بیشتر اوقات، بر اساس راهنمایی دستخط‌ها- که نوعی دستورالعمل برای جنبه‌های مختلف زندگی هستند - در سه سطح سناریوهای فرهنگی<sup>۵۱</sup>، دستخط‌های بین شخصی<sup>۵۲</sup> و دستخط‌های بین روانی<sup>۵۳</sup> انجام می‌شوند. این دستخط‌ها راهنمای عمل کنشگران هستند و بدون عناصر صحیح یک دستخط هیچ رفتاری از جمله رفتار جنسی اتفاق نخواهد افتاد. از سوی دیگر، آنچه در نظریه گائونون و سایمون تبیین می‌شود این است که این دستخط‌های فرهنگی توسط ادراکاتی درباره رفتار جنسی که بین دو یا چندین

41. Babatunde, & Ake

42. autonomic

43. pituitary gland

44. homeostasis

45. the sympathetic and the parasympathetic

46. limbic

47. hormonal system

48. body's homeostatic regulation

49. Geertz

50. Gagnon & Simon

51. Cultural Scenarios

52. Interpersonal scripts

53. Intrapyschic Scripts

نفر در طول زمان ساخته می‌شود یا همان دستخط‌های بین‌شخصی، تعدیل، تفسیر و بازنگری می‌شوند. معانی کنش متقابل بین فردی نیز به نوبه خود، به وسیله نزدیک‌ترین سطح دستخط‌های جنسی، یعنی دستخط بین روانی که در بردارنده فهم شخصی و فردی از رابطه جنسی و معانی آن هست تفسیر و درک می‌شود. در سطح بین روانی، افراد به صورت نقادانه و خلاقانه نقش حضار را بازی و در نتیجه، دستخط آرمانی‌شان را برای رفتار جنسی تصویر می‌کنند (هولت‌بای<sup>۵۴</sup>، ۲۰۱۰).

بنابراین، تمایلات جنسی به معرفت‌شناسی جنسی گره‌خورده است، بدین صورت که آن را به یک واقعیت هستی‌شناسانه جهانی مبتنی بر مفاهیم طبیعی گرایش و هویت جنسی تبدیل می‌کند. از طریق دانش، این امر محقق می‌شود که ما یک تصمیم آگاهانه بگیریم یا خودمان را از محدودیت‌های اجتماعی که بلافاصله مشهود نیستند، رها سازیم (ساباسای، ۲۰۱۶). بدین ترتیب، معارف مربوط به رفتار جنسی در یک فرهنگ نه تنها بر شخصیت و عواطف تأثیر می‌گذارد، بلکه پایه و اساسی برای تعامل اجتماعی فراهم می‌کند و بر ارزش‌های جنسی تأثیر می‌گذارد.

با نظر به آنچه گفته شد نیاز است یک مبنای محکمی از اخلاق جنسی را که شرایط جنسی ایدئال و شرایط جنسی قابل قبول اخلاقی را به رسمیت بشناسد، ایجاد کرد. علاوه بر این، با ایجاد بستر اجتماعی مذاکره در این رابطه، تفکر اخلاقی و نگرش‌های او را متأثر ساخت. در واقع، ایجاد معرفت نسبت به ارزش‌های اخلاقی، در توانایی افراد برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و هدایت درست فعالیت‌های جنسی لازم است (پارک، یون و هوانگ، ۲۰۱۶: ۱۴۴). به عبارت دیگر، معرفت جنسی، زمینه پرورش اخلاق جنسی محکم و استوار که منجر به یک زندگی جنسی محکم، درست و سالم می‌شود را فراهم می‌کند. علاوه بر این، با ارتقا درک متقابل شفاف با شریک جنسی یا همسر و رفتارهای شخصی مسئولانه روابط شخصی گسترده را در راستای انجام اعمال درست بهبود می‌بخشد. در واقع، اگرچه جوانان معمولاً دانش کلی درباره‌ی تمایلات جنسی دارند، اما تنها اقلیتی از آن‌ها درک کاملی از خدمات سلامت جنسی و دسترسی به آن دارند (تورن بول، سویناستون و ون وارچ<sup>۵۵</sup>، ۲۰۱۴).

با نظر به تأثیر قرارگیری در معرض معارفی که اخلاق جنسی را تثبیت می‌کند، لذا گرچه این دیدگاه مطرح است که فرهنگ‌های مختلف در شکل‌گیری تمایلات جنسی به شکل خاصی مؤثر هستند، اما ایجاد یک چشم‌انداز درست و مسئولیت‌پذیرانه، وابسته به ارائه معرفت مستدل با نظر به کرامت انسان است. چنانکه تحقیق آروزول و کارلبوم<sup>۵۶</sup> (۲۰۱۶) نشان داده است که همه سنن مذهبی اصلی مانند یهود، مسیح، اسلام، بودا، هندو... به صورت‌های متفاوتی در زمینه معنای سکسچوالیته، چهارچوب‌هایی برای سکسچوالیته خوب و بد، ویژگی‌های سکسچوالیته مرد و زن و راهبردهای تنظیم خانواده ارائه داده‌اند که متعهدان به آن‌ها در فرهنگ‌ها و شرایط مختلف به آن‌ها عمل کرده‌اند. بنابراین، مذهب به راحتی از سکسچوالیته و سلامت تولیدمثل جدا نگشته است. در واقع، برای همه مذاهب این اصلی مهم است که یک نظام اعتقادی مجزا را ارائه دهند که هدف آن هدایت پیروان متدین در زمینه امور جنسی و تولیدمثل باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که تفسیرهای شخصی هر انسانی که به یک مذهب اعتقاد دارد بسیار از دیدگاه لیبرال نسبت به محافظه‌کار و سنتی، متفاوت است. مثلاً باینکه تأثیر الکل و گوشت خوک بر جذب برخی از داروها مؤثر است، حجاج به دلیل باورهای دینی در این ایام دست به این عمل نمی‌زنند. بنابراین این نگرش، نشان می‌دهد که دین فرد را کنترل می‌کند یا مشخص شده است که زنان مسلمان به دلیل پوشیدن روسری ویتامین دی کمتری را جذب می‌کنند، اما حاضر به عدم استفاده از روسری نشدند.

در واقع، چنانکه بنیان نظری برای باورها و معرفت‌شناسی انسان ارائه نشود، خطر از دست دادن چشم‌انداز و واقعیت باورهای متعلق به خویشتن هست. اما تا زمانی که انسان به لحاظ فکری فعال است، یعنی با میل به دانستن و فهمیدن انگیزه یافته است، ذهن او به‌مثابه‌ی برنامه‌نویس رایانه‌ای احساسی او عمل می‌کند و به همتای درخشان فلسفه‌ی عقلانی‌اش تبدیل می‌شود. در این راستا، زمانی که برنامه‌نویسی یا معرفت کسب شده توسط او به صورت تأثیراتی تصادفی با احساس‌ها، تداعی‌ها، تقلیدهای اتفاقی با تصاحب‌های

54. Holtby

55. Turnbull, Swainston & Van Wersch

56. Arousell & Carlbon

پرشتاب پردازش نشده‌ی سخنان پیش‌افتاده‌ی محیطی انجام گیرد، او روحی شبیه گل بی‌شکل خواهد گرفت که اثر رد پاهایی که به هر سو می‌روند، بر آن مانده است. چنین انسانی فغان بر می‌آورد که حس هویت خود را از دست داده است. واقعیت این است که او هرگز این حس را به دست نیاورده است. تنها آن ارزش‌هایی که برای انسان مهم هستند یا به تدریج مهم می‌شوند، ارزش‌هایی که دیدگاه ضمنی او نسبت به واقعیت را نشان می‌دهند، در ناخودآگاه او باقی می‌مانند. اخلاق جنسی به‌نوعی نتیجه معارف کسب شده است. در واقع، اخلاق جنسی نتیجه عینی‌سازی معرفت کسب شده است. آنگاه که ماهیت خود و رابطه‌اش با جهان را درک کرده است (زند، ۱۳۹۶). بنابراین، معرفت‌شناسی جنسی مؤثر نه تنها باید زمینه شکل‌گیری شناخت و هنجار شود، بلکه باید مهارت‌هایی مانند مواجهه با نیازهای عاطفی را برای صمیمیت و عشق به طریق متناسب با جایگاه فرد در زندگی پرورش دهد.

در این میان، ذکر این نکته مهم است که الهیات و دین به‌تنهایی نمی‌توانند اطلاعات کافی را درباره‌ی تمایلات جنسی به جوانان ارائه دهند و یافته‌های روانشناسی و همچنین دیگر علوم را درباره‌ی امور جنسی نادیده بگیرند. بنابراین، اگر چه اسلام تأثیر مثبتی بر تمایلات جنسی و رفتار مراقبتی پیروان حقیقی خود گذاشته و انجام فعالیت‌های مذهبی مسلمانان را قادر به مقابله به موقعیت‌های دشوار کرده است، اما به‌صورت دایره‌المعارفی به این امر ننگریسته است و بخشی از بهداشت جنسی وابسته به اصول بهداشتی کشف شده است. بنابراین، مراقبت‌های بهداشتی جنسی باید تا حدودی با توجه به بحث‌های گسترده‌تر سیاسی و حقوق‌محور درک شود و بعلاوه باید پشتیبانی دقیقی از ارائه خدمات درمانی داشته باشد. در واقع، گرچه یک دین ممکن است بهترین و درست‌ترین آموزه‌ها را درباره‌ی قضاوت جنسی و آزادی داشته باشد، اما یافته‌های جدید بشر نیز باید در چهارچوب دسته‌بندی‌های معرفت‌شناسی و ویژگی‌های جنسی درست قاب‌بندی شود (ساباسای، ۲۰۱۶). از این رو، باید برنامه‌ای طراحی شود که در آن طیف گسترده‌ای از اطلاعات حیاتی در مورد جنسیت انسان در ابعاد بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی را به دست دهد. اگر این امر تحقق پیدا کند، شناخت نه تنها دانش، بلکه همچنین کنترل را نیز با خود به همراه خواهد داشت (فسن و سالچیدو<sup>۵۷</sup>، ۲۰۱۵).

در واقع، ارائه معارف جنسی، در ابتدا یک حق است. این حق نیازمند به ارائه معارفی حداقل در پنج بعد است که عبارت‌اند از: ۱) روابط جنسی و حق انتخاب یک شریک جنسی ۲) بیان جنسی و جستجوی لذت و شادی ۳) پیامدهای جنسی و حق به تشریک‌مسابی از شریک جنسی ۴) آسیب جنسی و حق مراقبت ۵) سلامت جنسی و حق ارائه اطلاعات، تربیت و خدمات (دیکسون مولر<sup>۵۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۹).

## ۵- بحث و نتیجه

شکی نیست که تمایلات جنسی یکی از قدرتمندترین نیروهای عمل‌کننده و عامل در تجربه انسان به‌طورکلی است. هیچ دلیل واحدی به‌طور کامل نیرو و برجستگی انگیزه جنسی در روابط انسان را توضیح نمی‌دهد. با این حال آنچه نمی‌توان شک کرد این است که تا آنجا که اخلاق نتیجه تأمل بر درست و نادرست و خوب و بد رفتار همه انسان‌ها است، تمایلات جنسی از ابتدای سرآغاز شکل‌گیری فرهنگ، موضوعی ثابت برای تأمل اخلاقی، قانون و حتی قانون‌گذاری بوده است (ون نیکرک<sup>۵۹</sup>، ۲۰۱۴: ۲۶۱۵). در واقع، رفتار جنسی از جمله اولین رفتارهایی است که بشر از دیرباز به هنجارمند کردن آن پرداخته است. اما با وجود تفاوت جوامع مختلف نسبت به سازمان‌دهی کردن رفتار جنسی؛ نکته‌ای که بین آن‌ها مشترک است ایجاد نگرش نسبت به رفتار جنسی مسئولانه است. چنانکه پارک، یون و هوانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «ذهنیت درباره‌ی اخلاق جنسی در بین دانشجویان کارشناسی در کره» دریافتند که گرچه دانشجویان مقطع کارشناسی با نظر به نگرش‌هایشان در زمینه اخلاق جنسی در سه گروه قرار می‌گیرند ۱) گروهی با خلوص مطلق سنتی، ۲) گروه سازش روشنفکرانه و ۳) گروه مسئولیت‌پذیر عقلی، اما همه آن‌ها گرایش به ارتقا روابط جنسی سالم مبتنی بر

57. Fassin & Salcedo

58. Dixon-Mueller

59. van Niekerk

عشق و مسئولیت دارند و مواضع اقلیت‌های جنسی را نیز درک می‌کنند. همه آن‌ها درک می‌کنند که علاقه به سکس برای یک زندگی جنسی متناسب لازم است، اما بیش از آن هر سه گروه اخلاق جنسی مسئولانه را لازم می‌دانستند.

با این وجود، باید گفت زندگی جنسی مسئولانه به صورت غریزی بنا نمی‌شود، بلکه مبتنی بر اراده معارف برای شکل‌گیری اخلاق جنسی است. بنابراین، باید تلاش‌های بیشتری برای بهبود تربیت جنسی جوانان صورت گیرد، اما همان‌طور که مشخص است هنوز تربیت در این زمینه ضعیف است و با حجاب‌های فرهنگی تحت پوشش قرار گرفته است. تربیت جنسی ضعیف می‌تواند پیامدهای احتمالی زیادی را در زمینه فهم از سلامت جنسی، تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، اگرچه جوانان معمولاً دانش کلی درباره‌ی تمایلات جنسی دارند، اما تنها اقلیتی از آن‌ها درک کاملی از خدمات سلامت جنسی و دسترسی به آن دارند. بنابراین، صرف نظر از نوع نگاه به روابط جنسی، نیاز به یک رویکرد جامع‌گرایانه به امیال جنسی است تا در کنار ایجاد عادت‌های سالم خودآگاهی جنسی، صداقت و دغدغه نسبت به مواجهه با نیازهای شخصی جهت صمیمیت، ویژگی‌های فضیلتی خاص را درباره‌ی تمایلات جنسی انسان تقویت و فراهم کند. زمانی که ما هیچ معرفتی را در فراگیران ایجاد نکرده‌ایم یا در خانواده در معرض معارف متفاوت هستند، چگونه انتظار داریم، هم به ارزش‌های اخلاق جنسی احترام بگذارند و هم اینکه با ناآگاهی، همه چیز را کنترل کنند. بر خلاف عرف، هر چه سکسچوالیته حتی بازتر باشد و زندگی‌های جنسی فعال‌تر باشند، آموزش معارف و اخلاق جنسی به مردم و ایجاد ذهنیت مهم‌تر است، نه اینکه سکوت کرد تا این امر در حالت غفلت و کتمان بیشتر بماند. آموزش معارف جنسی از زندگی سالم جنسی و اخلاق جنسی، پشتیبانی می‌کند. اخلاق جنسی صحیح می‌تواند الگو برداری و آموخته شود. در واقع، باید اقدامات لازم و تلاش‌های مستمری برای انعکاس تربیت جنسی در سیاست‌های آموزشی به منظور ایجاد ملکات اخلاق جنسی صورت گیرد. در این راستا، گرچه نیروی ادراک وجه تمایز انسان از دیگران جانداران است، اما وجه امتیاز و تشخیص آدمیان از یکدیگر، ملکات فاضله است. زیرا وجود انسان محدود به انجام غرایز نیست، اندیشه دارد و نسبت به غرایز محدود، آن را سرمایه حقیقی غنا و تشخیص خود می‌داند. در کشور ما نیز که بحث دین در آن محوریت دارد، در زمینه جنسی به عنوان یک ملکه فاضله و یک تقدس نگریسته می‌شود. همان‌طور که صدرالماتلهین با اثبات جمسانیه الحدوث و روحانیه البقاء بودن روح و نیز حرکت جوهری در حکمت متعالیه صدرایی، سعی نموده است مسائل اخلاق را بهبود بخشد. روی این مبنا آموزش معارف و اخلاق در پیدایش، پرورش و ساختار حقیقت انسان بعلاوه بحث‌های جنسی نقش دارد؛ یعنی کاری را که انسان در آغاز انجام می‌دهد «حال» است، ولی بعد «ملکه» و سپس به حالت «صورت جوهری» ظهور می‌کند و چون به صورت جوهر در می‌آید، نفس برای آن به «منزله ماده» و این صورت برای آن به منزله «صورت» می‌شود و جمعاً یک واقعیت را تشکیل می‌دهند. در اینجا توجه به این نکته مهم است که دیگران، اخلاق را از مرحله «حال» به مرحله «ملکه»، منتقل کرده، گفته‌اند اخلاق را که انسان فراهم می‌کند «دیزوال» و از ملکات نفسانی است؛ ولی حکمت متعالیه بر اساس حرکت جوهری، تبیین و تثبیت کرده است که انسان هر کاری را که می‌کند در واقع با آن کار، حقیقت خود را می‌سازد و با همان هم محشور می‌شود. البته بر اساس آیه ۶ سوره آل عمران «هو الذی یصورکم فی الرحم کیف یشاء» قیافه‌های انسان قبل از تولد، تنظیم شده است. ولی انسان قیافه بعد از تولد را با سعی خود می‌سازد و می‌تواند آن را زشت یا زیبا بیافریند و این «مشاطه‌گری» اخلاق است. او اگر بخواهد می‌تواند خود را سفیدروی یا سیاه‌روی کند. همه این محورها در اختیار اخلاق است.

## منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۸۴) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد دوم، تهران: مدرسه.
۲. رند، آین (۱۳۹۶) بیانیه‌ی مکتب رماتیک. نیلوفر آقابرهیمی (مترجم)، تهران: انتشارات تمدن علمی.
۳. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) مقدمه‌ی بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۲) بحار الانوار، جلد ۱۰۱، چاپ چهارم، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) مجموعه آثار استاد شهید مطهری. جلد ۱۹، چاپ ششم، انتشارات صدرا.
۶. طاهرپور، محمدشریف، شرفی، محمدرضا، باقری، خسرو، و مسعودی، جهانگیر. (۱۳۹۲). تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام. تربیت اسلامی، ۸(۱۷)، ۵۱-۷۳.
7. Ahmad Sudan, S. (2015). Educating children on sexual matters based on the teaching of Islam: the role of Muslim parents. *Journal of Education and Social Policy*, 2(5), 109-114.
8. Arikan, F., Meydanlioglu, A., Ozcan, K., & Ozer, Z. C. (2015). Attitudes and beliefs of nurses regarding discussion of sexual concerns of patients during hospitalization. *Sexuality and disability*, 33(3), 327-337.
9. Arousell, J., & Carlbom, A. (2016). Culture and religious beliefs in relation to reproductive health. *Best Practice & Research Clinical Obstetrics & Gynaecology*, 32, 77-87.
10. Babatunde, E., & Ake, M. (2015). The relativity of heterosexual norms and gender power on young people's sexuality in Africa. *Journal of African Studies and development*.
11. Dixon-Mueller, R., Germain, A., Fredrick, B., & Bourne, K. (2009). Towards a sexual ethics of rights and responsibilities. *Reproductive Health Matters*, 17(33), 111-119.
12. Fassin, E., & Salcedo, M. (2015). Becoming gay? Immigration policies and the truth of sexual identity. *Archives of sexual behavior*, 44(5), 1117-1125.
13. Geertz, A. W. (2010). Brain, body and culture: A biocultural theory of religion. *Method & Theory in the Study of Religion*, 22(4), 304-321.
14. Hartmans, C., Comijs, H., & Jonker, C. (2015). The perception of sexuality in older adults and its relationship with cognitive functioning. *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 23(3), 243-252.
15. Holtby, A. (2010). *Reconstructing Sex: Women Having Sex with Women*. Canada: University of Ottawa.
16. Howell, S. J. (2011). *Implications of Classroom Writing Instruction Emphasizing Imagination, Creativity, and Dialogue: A Case Study*. Doctoral dissertation, Kent State University.
17. Huber, V J. Firmin, M W. (2014). A History of Sex Education in the United States since 1900. *International Journal of Educational Reform*, V23, N1 p25-51.
18. Lassiter, J. M., Saleh, L., Starks, T., Grov, C., Ventuneac, A., & Parsons, J. T. (2017). Race, ethnicity, religious affiliation, and education are associated with gay and bisexual men's religious

- and spiritual participation and beliefs: Results from the One Thousand Strong cohort. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 23(4), 468.
19. Mc Grath, M., & Sakellariou, D. (2016). Why has so little progress been made in the practice of occupational therapy in relation to sexuality?. *American Journal of Occupational Therapy*, 70(1), 7001360010p1-7001360010p5.
  20. Meldrum, R., Liamputtong, P., & Wollersheim, D. (2014). Caught between two worlds: Sexuality and young Muslim women in Melbourne, Australia. *Sexuality & Culture*, 18(1), 166-179.
  21. Munfarida, E. Soeratno, S, C. Syamsiatun, S. (2017). Truth and Love in Sexual Ethic of Islam. KALAM, Volume 11, No. 1, pp. 1-28.
  22. Park, Y., Yeun, E. J., & Hwang, Y. Y. (2016). Subjectivity about Sexual Ethics among Korean Undergraduate Students Using Q Methodology. *Asian nursing research*, 10(2), 143-149.
  23. Pruss, A. R. (2000). Christian sexual ethics and teleological organicity. *The Thomist: A Speculative Quarterly Review*, 64(1), 71-100.
  24. Sabsay, L. (2016). From being sexual to having sexual rights. *Darkmatter*, 14.
  25. Samanta, S. (2016). Education as a Path to "Being Someone": Muslim Women's Narratives of Aspiration, Obstacles, and Achievement in an Impoverished Basti in Kolkata, India. *Frontiers: A Journal of Women Studies*, 37(3), 151-174.
  26. Schaub, J., Willis, P., & Dunk-West, P. (2017). Accounting for self, sex and sexuality in UK social workers' knowledge base: Findings from an exploratory study. *The British Journal of Social Work*, 47(2), 427-446.
  27. Schrock, D. (2014). True Sexual Morality: An Interview with Daniel Heimbach. *Journal for Biblical Manhood & Womanhood*. Pp8-1.
  28. Stephens, D. W., & Jung, P. B. (2015). A comprehensive, holistic, and integrated approach to professional sexual ethics in theological education. *Theological Education*, 50(1), 53-68.
  29. Sudan, S. A. (2013). *Premarital Sex Among School-going Malay Female Teens: A Case Study in Selangor* (Doctoral dissertation, Institute of Education, International Islamic University Malaysia).
  30. Turnbull, T., Swainston, K., & Van Wersch, A. (2014, September). Sexual knowledge, contraception and accessing contraceptive methods among British University students. In *Division of Health Psychology Annual Conference 2014*.
  31. van Niekerk, A. (2014). Sexual Ethics. *Encyclopedia of Global Bioethics*, 1-10.
  32. Weeks, J., Holland, J., & Waites, M. (2003). *Sexualities and society: A reader*. Polity Press.